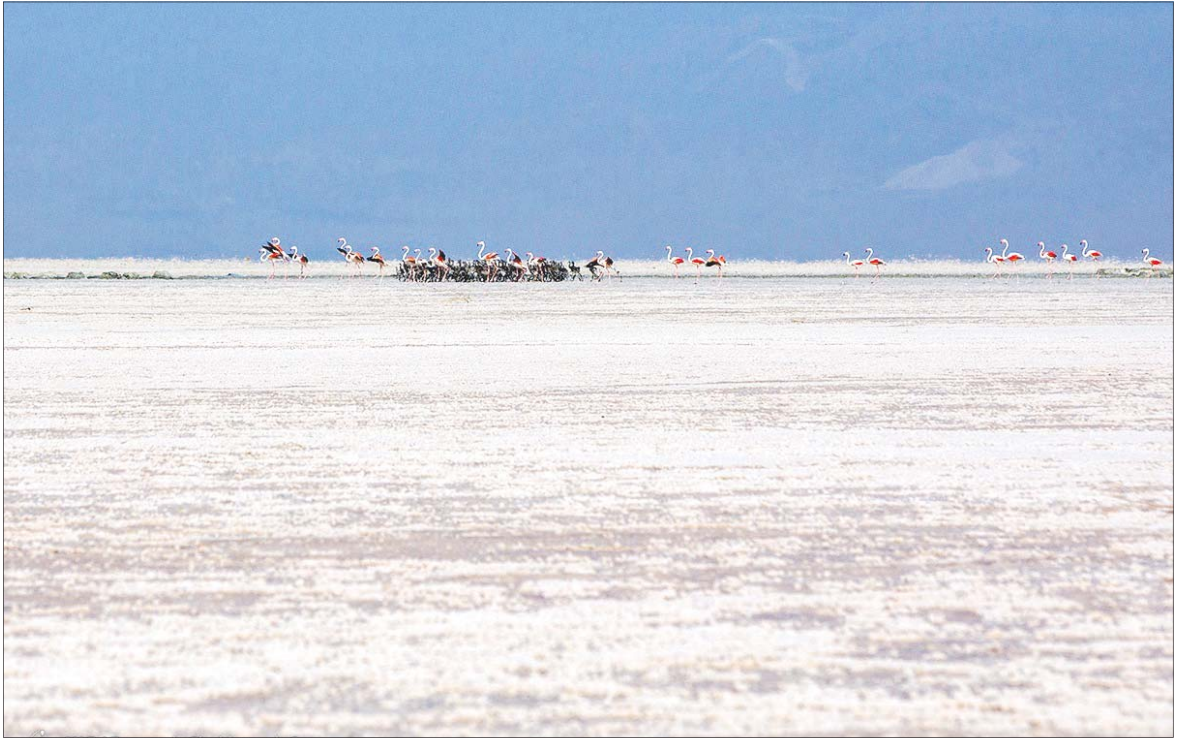


شترق

تالاب بختگان به وسعت ۸۵ هزار هکتار با خشک‌سالی شدید روبرو شده است. / عکس: فرزانه چقماق‌ساز، باشگاه خبرنگاران جوان



روزها

مرگ خاموش نخست‌وزیر

از خاک ایران شد و... به‌طور دقیق کالبدشکافی نشده.

شاید بتوان با شواهد اسناد و مدارک تاریخی ادعای عدم استقامت از توانمندی‌های وی را در بهبود سیاست‌های داخلی و خارجی ایران اثبات کرد. او برای حفظ جان خود از هم‌پیمانان نظامی‌اش ناچار به ترک ایران و اقامتی چندساله در ژنو، قلب فکری اروپا شد و از این زمان به بعد به علت تسلطش بر جغرافیای منطقه‌ای خاورمیانه از سوی اروپاییان به مأموریت پیچیده فلسطینیان و دیگری‌شان با یهودیان مهاجر به آن خطه گماشته شد. این روزنامه‌نگار سیاست‌پیشه، پیچ‌وخم‌های جنگ جهانی دوم را نیز در خارج و داخل ایران تجربه کرد و با همان بی‌مهری‌های قبلی بالاخره باز صاحب کرسی در مجلس چهاردهم شد. مردان سیاست ایران هیچ‌گاه تمایلی به معاشرت مستقیم با او نداشته و دائم وی را با اتهامات متنوعی دچار چالش کردند. اگر از این ذخیره غنی تجربی و فکری استفاده می‌شد، شاید تنوع فکری جامعه سیاسی ایران افزایش یافته یا از آرای وی برای ایجاد فرصت‌ها و بستری‌های بین‌المللی بهتر استفاده می‌شد. ولی دربار، مجلس و دیگر جریان‌ها و احزاب سیاسی او را به طیب گباهی یا به قول خودشان سیدعنقناتی تبدیل کردند و تا آخرین روز حیاتش در ششم شهریور ۱۳۴۸ فقط برای تنوع ذائقه‌شان روزهای تعطیل در باغ سعادت‌آباد وی گردهم می‌آمدند و در نهایت تجربیات فکری، ۵۰ سال پیش در هفتم شهریور ۱۳۴۸ مردم تهران جنازه تنها نخست‌وزیر روزنامه‌نگار عصر مشروطه را با گمنامی خاصی به آرامگاه ناصرالدین‌شاه در صحن حضرت عبدالعظیم رسانده و به خاک سپردند. منابع نیز به دنبال کرمگی یا ارائه جوهر منفی گوی سبقت را از مردان زمانش بروده که این امر خود خسراتی به جامعه سیاسی ایران خواهد بود.

زنان

دردسترس نبودن مراقبت پزشکی مناسب، به‌موقع و باکیفیت در زایمان‌های طولانی و سخت باعث این عارضه می‌شود. این عارضه، اگر به آن درست رسیدگی نشود، باعث ناتوانی‌های ماندگار می‌شود و تمام جوانب زندگی زنان مبتلا را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. فقیر، ازدواج در سن کم، ناآگاهی و نبود خدمات بهداشتی-درمانی به‌موقع و مناسب، از علل فیستول

دوپیچه‌وله: در پی انتشار گزارش لرد دایسون، قاضی بازنشسته درباره فریبکاری خبرنگار و نقض مقررات حرفه‌ای، تونی هال، مدیرعامل سابق بی‌بی‌سی از مقام کنونی خود، ریاست موزه ملی لندن استعفا داد. آنها متهم شدند که ۲۶ سال پیش در مصاحبه با پرنسس دایانا، اسناد جعلی را منتشر کردند که نشان می‌داد افرادی علیه عروس ملکه خیرچینی می‌کنند.



خبرگزاری فرانسه: سوشیل کومار، عضو تیم ملی کشتی آزاد هند و دارنده مدال نقره المپیک پس از چند روز فرار در شهر دهلی بازداشت شده است. او متهم به قتل ساکار داناکر، یک کشتی‌گیر دیگر هندی است. سوشیل کومار پرچمدار کاروان ورزشی هند در المپیک ۲۰۱۲ لندن بود. پلیس هند برای بازداشت آقای کومار -۱۳۵ دلار جایزه تعیین کرده بود.

نکسترا: کانال تلگرامی «نکسترا» متعلق به مخالفان دولت بلاروس اعلام کرد یکی از بنیان‌گذاران این مجموعه که با پرواز از آتن عازم پایتخت لیتوانی بود، در زمان فرود اضطرابی هواییمایش در فرودگان مینسک، پایتخت بلاروس بازداشت شد. وزارت کشور بلاروس نیز تأیید کرد که این فرد به نام رامان پرتادسویچ در فرودگاه مینسک بازداشت شده است.

صاف و ساده

جنگ توپیت‌ها و پُست‌ها

حرفه‌ای تبلیغات سیاسی رعایت شود. هر نامزدی که با سوت شورای نگهبان وارد میدان می‌شود، در درجه اول باید اصول اخلاقی و رقابت حرفه‌ای را بپذیرد. آنها باید توجه داشته باشند که سواد رسانه‌ای مردم بالا رفته و به‌راحتی تحت تأثیر تبلیغات قرار نمی‌گیرند.

آستانه حساسیت مخاطبان ایرانی بالا رفته است، اما اگر نامزدی بتواند جمعیت خاکستری مردم را برای حضور در پای صندوق رأی اقناع کند، امکان پدیده‌شدن و پیروزی غیرمنتظره را باید داشته باشیم. اکنون نابرابری محسوس‌تری در محتواهای تولیدی نامزدهای طیف اصولگرا و طیف اصلاح‌طلب دیده می‌شود. محتواهای تولیدی نامزدهای منتسب به اصولگرایان، گرچه حجم بیشتری دارد، اما به لحاظ حرفه‌ای و میزان اثرگذاری بر مخاطب، ضعیف است و فضای گفتمانی محدودی دارد. استنباط من این است که بخش مهمی از محتوای منتشرشده به نام اصولگرایان، توسط افراد نامشخصی با هدف ضربه‌زدن به آنها طراحی و پخش می‌شود. متولیان تبلیغات اصولگرایان، خیال‌کننده که ۱۶ میلیون رأی‌دهنده به آقای رئیسی در انتخابات گذشته، نیاز به تهییج و تبلیغ ندارند. در شرایط مشارکت محدود، گرچه احتمال پیروزی رئیسی بالا می‌رود، اما در آن شرایط، از آن سبید ۱۶میلیونی هم کاسته خواهد شد. آنچه نامزد اصولگرایان را پیروز می‌کند، جلب نظر بخشی از آرای خاکستری است. محتواهای یک هفته اخیر، نه تنها این قشر را به مشارکت و دادن رأی ترغیب نمی‌کند، بلکه نگرانیشان می‌کند و به سمت مشارکت سیاسی و دادن رأی به رقیب سوق می‌دهد. راهبرد اشتباه تخریب افراذگونه دولت روحانی، باوجود نارضایتی وسیع مردم از اوضاع اقتصادی کشور، باعث جذب آرای مردم به صندوق‌اصولگرایان نخواهد شد، بلکه ممکن است نتیجه عکس داشته باشد. البته اتخاذ مواضع آقای احمدی‌نژاد هم در گسیل آرای اقشار تهیدست بر له یا علیه هرکدام از تأییدصلاحت‌شدگان، نقش ایفا خواهد کرد. مردم اگر اطمینان حاصل کنند که اصولگرایان، نقشه راه منطقی و درست، با پرهیز از تندروی، برای اداره کشور دارند، آزادی‌های اجتماعی را محدود نمی‌کنند و قصد ماجراجویی در فضایی منطقه‌ای و بین‌المللی ندارند، به آنها رأی می‌دهند. میانه‌روها و اصلاح‌طلبان، به‌لحاظ کیفیت محتواهای تولیدشده، در وضعیت مطلوبی هستند، اما برای کشاندن میلیون‌ها مردم به مراکز رأی‌گیری و کسب پیروزی، نیاز به رویداد بزرگ دارند. این رویداد بزرگ، باید بتواند توجه مردم را به‌یک‌باره به خود جلب کند. در انتخابات‌های گذشته که اصلاح‌طلبان و میانه‌روها به پیروزی رسیدند، معمولاً علت مشارکت وسیع، هراس از رقیب اصولگرا و شبهه ایجاد محدودیت‌های اجتماعی بیشتر بوده است. در انتخابات ۲۸ خرداد، ترساندن مخاطبان از تبعات پیروزی اصولگرایان، کمتر از گذشته اثربخش خواهد بود. آقای لاریجانی، مسیر خوبی برای جلب نظر افکار عمومی در پیش گرفته است. تولید محتوای مثبت، بهتر از محتوای منفی جواب می‌دهد. درست است که محتوای منفی ممکن است سرسودی بیشتری به راه بیندازد، اما محتوای مثبت با خلق احساس خوب در مخاطب، ممکن است بیشتر هم دیده شود. همچنین محتوای مثبت برای حفظ چهره نامزد بهتر است. محتوایی که احساسات مخاطب را تحریک می‌کند، بیشتر از سایر محتواها ویرال می‌شود. این محتواها، چون احساسات مردم را تحریک و آنها را عصبانی، غمگین یا شاد می‌کند، بیشتر به اشتراک گذاشته می‌شود. نتیجه جنگ توپیت‌ها آن هستند. در رقابت انتخابات پیش‌رو، محتواهای ویرال‌ال شده در شبکه‌های اجتماعی، تعیین‌کننده هستند. به محتوایی که زیاد دیده یا خوانده و دست به دست می‌شود، محتوای ویرال‌ال‌شده می‌گویند. برای تولید محتوایی که بتواند ویرال شود، لازم است اصول وحدت و هم‌افزایی است.

خبر

اکنون در زندان به سر می‌برد، روز ۲۵ ژوئن (چهارم تیر) مشخص خواهد شد. ال شارپتون، فعال سرشناس حقوق مدنی در آمریکا در جمع شرکت‌کنندگان در راهپیمایی مینیاپولیس از کشته‌شدن جورج فلوید در ایهمپایی کردند. اعضای خانواده جورج فلوید، مرد سیاه‌پوستی که به دست درک شووین، مأمور سفیدپوست پلیس مینیاپولیس کشته شد، در این جهان شد.» خانواده دیگر قربانیان خشونت‌های پلیس در آمریکا نیز در راهپیمایی روز یکشنبه در کنار خانواده جورج فلوید حضور داشتند.

جان سیاهان مهم‌است؟

صدها نفر از فعالان مبارزه با نژادپرستی و شهروندان آمریکایی روز یکشنبه در آستانه اولین سالگرد کشته‌شدن جورج فلوید در شهر مینیاپولیس راهپیمایی کردند. اعضای خانواده جورج فلوید، مرد سیاه‌پوستی که به دست درک شووین، مأمور سفیدپوست پلیس مینیاپولیس کشته شد، در این جهان شد.» خانواده دیگر قربانیان خشونت‌های پلیس در آمریکا نیز در راهپیمایی روز یکشنبه در کنار خانواده مجرم شناخته شد. حکم دادگاه علیه درک شووین که



شرق: تیم «وویرن و ویوندان» مدتی است با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. آنها به‌تازگی مجبور شدند زمین تمرین‌شان را در اختیار گروه ساخت فیلم «مأموریت غیرممکن» قرار دهند. در این میان تام کروز چند پیراهن این تیم را امضا کرد و حالا باشگاه قرار است از محل فروش این پیراهن‌ها کسری بوجه‌اش را تأمین کند.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نامبر: ۰۶-۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۰۶-۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹-۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌ساز سبز - تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم - تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

بیمار تخت ۲۶

سرقت شیرآلات



● فاطمه خانم ۷۳ساله است و در جوانی کارمند شرکت نفت بوده. اما بچه اولش را که حامله می‌شود، شوهرش دیگر اجازه نمی‌دهد سر کار برود و به این ترتیب او زنی خانه‌دار می‌شود با دو دختر و یک پسر و مردی که در تمام این سال‌ها آزارش داده و پدرش را درآورده. موقع ناهار است. به اندازه یک اسب گرسنه‌ام. اسم فاطمه خانم هنوز در فهرست غذا نیست. میزش را جلو می‌کنم. سوپ داغ را جلویش می‌گذارم و می‌گویم میل کنید. می‌پرسد پس خودتان چه؟ می‌گویم میل ندارم. با اشتها شروع به خوردن می‌کند. روی سوپش آلبلومی یک بار مصرف را که خیلی سخت باز می‌شود، می‌ریزم. ظرف ماست کوچک را برایش باز می‌کنم: یک بشقاب کوچک کاغذی بر می‌دارم. غذا زرشک‌پلو با مرغ است. عطر خوشی دارد. چند قاشق برنج و تکه‌ای مرغ برمی‌دارم و بقیه را می‌گذارم جلوی فاطمه خانم. می‌گوید پس خودتان چه؟ جواب می‌دهم خیلی گرسنه نیستم و شروع به خوردن می‌کنیم. داخل زرشک‌پلو بر ز رشته‌های باریک هویج خوشمزه است. به اندازه یک قورباغه تشنه‌ام و قوت قوت آب می‌نوشم. فاطمه خانم باید ماسک اکسیژن بزند. می‌گویم صبر کن. بعد با اسپری الکل، ماسک را ضدعفونی می‌کنم. مدام سراغ پرستارها را می‌گیرد که چرا نمی‌آیند آنژیوپکت بزنند و سرم‌هایش را آغاز کنند. می‌گویم صبور باشید. حالا چندروزی قرار است اینجا باشید. اضطراب دارد. مثل دختر کوچولویی است که همه چیز برایش تازکی دارد یا می‌تواند موجب نگرانی‌اش شود. می‌گوید خواهر خودم هفته قبل همین جا بستری بود. بعد به یکباره گریه می‌کند و می‌گوید خواهر بزرگ‌ترم هفته قبل به دلیل کرونا مرد و صورتش از گریه محاله می‌شود. یواش شانه‌هایش را نوازش می‌کنم تا آرام شود. پسرش با ماسک و کاور از راه می‌رسد. کارهای بستری‌ش مادرش را انجام داده و برایش آب‌سیب و آب‌هویج طبیعی آورده. اما یادش رفته کیف و تلفن دستی و داروهای مادرش را بیاورد. تازه باید برود سراغ کارهای پدرش و او را بررد سی‌تی‌اس‌کن. پسر جوان مهربان است و فاطمه خانم مدام سؤال دارد. کی برمی‌گردد؟ دروهایم را چه کار کنم؟ تلفنم را می‌آوری؟ یک‌دفعه غذا می‌آورد.

● فاطمه خانم ۷۳ساله است و در جوانی کارمند شرکت نفت بوده. اما بچه اولش را که حامله می‌شود، شوهرش دیگر اجازه نمی‌دهد سر کار برود و به این ترتیب او زنی خانه‌دار می‌شود با دو دختر و یک پسر و مردی که در تمام این سال‌ها آزارش داده و پدرش را درآورده. موقع ناهار است. به اندازه یک اسب گرسنه‌ام. اسم فاطمه خانم هنوز در فهرست غذا نیست. میزش را جلو می‌کنم. سوپ داغ را جلویش می‌گذارم و می‌گویم میل کنید. می‌پرسد پس خودتان چه؟ می‌گویم میل ندارم. با اشتها شروع به خوردن می‌کند. روی سوپش آلبلومی یک بار مصرف را که خیلی سخت باز می‌شود، می‌ریزم. ظرف ماست کوچک را برایش باز می‌کنم: یک بشقاب کوچک کاغذی بر می‌دارم. غذا زرشک‌پلو با مرغ است. عطر خوشی دارد. چند قاشق برنج و تکه‌ای مرغ برمی‌دارم و بقیه را می‌گذارم جلوی فاطمه خانم. می‌گوید پس خودتان چه؟ جواب می‌دهم خیلی گرسنه نیستم و شروع به خوردن می‌کنیم. داخل زرشک‌پلو بر ز رشته‌های باریک هویج خوشمزه است. به اندازه یک قورباغه تشنه‌ام و قوت قوت آب می‌نوشم. فاطمه خانم باید ماسک اکسیژن بزند. می‌گویم صبر کن. بعد با اسپری الکل، ماسک را ضدعفونی می‌کنم. مدام سراغ پرستارها را می‌گیرد که چرا نمی‌آیند آنژیوپکت بزنند و سرم‌هایش را آغاز کنند. می‌گویم صبور باشید. حالا چندروزی قرار است اینجا باشید. اضطراب دارد. مثل دختر کوچولویی است که همه چیز برایش تازکی دارد یا می‌تواند موجب نگرانی‌اش شود. می‌گوید خواهر خودم هفته قبل همین جا بستری بود. بعد به یکباره گریه می‌کند و می‌گوید خواهر بزرگ‌ترم هفته قبل به دلیل کرونا مرد و صورتش از گریه محاله می‌شود. یواش شانه‌هایش را نوازش می‌کنم تا آرام شود. پسرش با ماسک و کاور از راه می‌رسد. کارهای بستری‌ش مادرش را انجام داده و برایش آب‌سیب و آب‌هویج طبیعی آورده. اما یادش رفته کیف و تلفن دستی و داروهای مادرش را بیاورد. تازه باید برود سراغ کارهای پدرش و او را بررد سی‌تی‌اس‌کن. پسر جوان مهربان است و فاطمه خانم مدام سؤال دارد. کی برمی‌گردد؟ دروهایم را چه کار کنم؟ تلفنم را می‌آوری؟ یک‌دفعه غذا می‌آورد.

● فاطمه خانم ۷۳ساله است و در جوانی کارمند شرکت نفت بوده. اما بچه اولش را که حامله می‌شود، شوهرش دیگر اجازه نمی‌دهد سر کار برود و به این ترتیب او زنی خانه‌دار می‌شود با دو دختر و یک پسر و مردی که در تمام این سال‌ها آزارش داده و پدرش را درآورده. موقع ناهار است. به اندازه یک اسب گرسنه‌ام. اسم فاطمه خانم هنوز در فهرست غذا نیست. میزش را جلو می‌کنم. سوپ داغ را جلویش می‌گذارم و می‌گویم میل کنید. می‌پرسد پس خودتان چه؟ می‌گویم میل ندارم. با اشتها شروع به خوردن می‌کند. روی سوپش آلبلومی یک بار مصرف را که خیلی سخت باز می‌شود، می‌ریزم. ظرف ماست کوچک را برایش باز می‌کنم: یک بشقاب کوچک کاغذی بر می‌دارم. غذا زرشک‌پلو با مرغ است. عطر خوشی دارد. چند قاشق برنج و تکه‌ای مرغ برمی‌دارم و بقیه را می‌گذارم جلوی فاطمه خانم. می‌گوید پس خودتان چه؟ جواب می‌دهم خیلی گرسنه نیستم و شروع به خوردن می‌کنیم. داخل زرشک‌پلو بر ز رشته‌های باریک هویج خوشمزه است. به اندازه یک قورباغه تشنه‌ام و قوت قوت آب می‌نوشم. فاطمه خانم باید ماسک اکسیژن بزند. می‌گویم صبر کن. بعد با اسپری الکل، ماسک را ضدعفونی می‌کنم. مدام سراغ پرستارها را می‌گیرد که چرا نمی‌آیند آنژیوپکت بزنند و سرم‌هایش را آغاز کنند. می‌گویم صبور باشید. حالا چندروزی قرار است اینجا باشید. اضطراب دارد. مثل دختر کوچولویی است که همه چیز برایش تازکی دارد یا می‌تواند موجب نگرانی‌اش شود. می‌گوید خواهر خودم هفته قبل همین جا بستری بود. بعد به یکباره گریه می‌کند و می‌گوید خواهر بزرگ‌ترم هفته قبل به دلیل کرونا مرد و صورتش از گریه محاله می‌شود. یواش شانه‌هایش را نوازش می‌کنم تا آرام شود. پسرش با ماسک و کاور از راه می‌رسد. کارهای بستری‌ش مادرش را انجام داده و برایش آب‌سیب و آب‌هویج طبیعی آورده. اما یادش رفته کیف و تلفن دستی و داروهای مادرش را بیاورد. تازه باید برود سراغ کارهای پدرش و او را بررد سی‌تی‌اس‌کن. پسر جوان مهربان است و فاطمه خانم مدام سؤال دارد. کی برمی‌گردد؟ دروهایم را چه کار کنم؟ تلفنم را می‌آوری؟ یک‌دفعه غذا می‌آورد.

● فاطمه خانم ۷۳ساله است و در جوانی کارمند شرکت نفت بوده. اما بچه اولش را که حامله می‌شود، شوهرش دیگر اجازه نمی‌دهد سر کار برود و به این ترتیب او زنی خانه‌دار می‌شود با دو دختر و یک پسر و مردی که در تمام این سال‌ها آزارش داده و پدرش را درآورده. موقع ناهار است. به اندازه یک اسب گرسنه‌ام. اسم فاطمه خانم هنوز در فهرست غذا نیست. میزش را جلو می‌کنم. سوپ داغ را جلویش می‌گذارم و می‌گویم میل کنید. می‌پرسد پس خودتان چه؟ می‌گویم میل ندارم. با اشتها شروع به خوردن می‌کند. روی سوپش آلبلومی یک بار مصرف را که خیلی سخت باز می‌شود، می‌ریزم. ظرف ماست کوچک را برایش باز می‌کنم: یک بشقاب کوچک کاغذی بر می‌دارم. غذا زرشک‌پلو با مرغ است. عطر خوشی دارد. چند قاشق برنج و تکه‌ای مرغ برمی‌دارم و بقیه را می‌گذارم جلوی فاطمه خانم. می‌گوید پس خودتان چه؟ جواب می‌دهم خیلی گرسنه نیستم و شروع به خوردن می‌کنیم. داخل زرشک‌پلو بر ز رشته‌های باریک هویج خوشمزه است. به اندازه یک قورباغه تشنه‌ام و قوت قوت آب می‌نوشم. فاطمه خانم باید ماسک اکسیژن بزند. می‌گویم صبر کن. بعد با اسپری الکل، ماسک را ضدعفونی می‌کنم. مدام سراغ پرستارها را می‌گیرد که چرا نمی‌آیند آنژیوپکت بزنند و سرم‌هایش را آغاز کنند. می‌گویم صبور باشید. حالا چندروزی قرار است اینجا باشید. اضطراب دارد. مثل دختر کوچولویی است که همه چیز برایش تازکی دارد یا می‌تواند موجب نگرانی‌اش شود. می‌گوید خواهر خودم هفته قبل همین جا بستری بود. بعد به یکباره گریه می‌کند و می‌گوید خواهر بزرگ‌ترم هفته قبل به دلیل کرونا مرد و صورتش از گریه محاله می‌شود. یواش شانه‌هایش را نوازش می‌کنم تا آرام شود. پسرش با ماسک و کاور از راه می‌رسد. کارهای بستری‌ش مادرش را انجام داده و برایش آب‌سیب و آب‌هویج طبیعی آورده. اما یادش رفته کیف و تلفن دستی و داروهای مادرش را بیاورد. تازه باید برود سراغ کارهای پدرش و او را بررد سی‌تی‌اس‌کن. پسر جوان مهربان است و فاطمه خانم مدام سؤال دارد. کی برمی‌گردد؟ دروهایم را چه کار کنم؟ تلفنم را می‌آوری؟ یک‌دفعه غذا می‌آورد.



دوپیچه‌وله: باب دیلن، اسطوره موسیقی راک و بومی آمریکا، ۲۴ می ۲۰۲۱ هشتادمین سالگرد تولدش را جشن می‌گیرد. او در نی قرن گذشته هزاران کنسرت اجرا کرده و تاکنون بیش از صد میلیون نسخه از آلبوم‌های او به فروش رفته‌اند. دیلن چند سال پیش برنده جایزه نوبل شد و این مسئله واکنش‌های زیادی را به همراه داشته است.